

فیلم شیطان صفت / Maleficent

داستان کلاسیک زیبای خفته را به یادیاورید؛ شیطان صفت یک نسخه به روز شده و کمی تا قسمتی متفاوت از همین قصه است.



همشهری آنلاین - ترجمه مهدی تهرانی: داستان کلاسیک زیبای خفته را به یادیاورید؛ شیطان صفت یک نسخه به روز شده و کمی تا قسمتی متفاوت از همین قصه است.

زیبای خفته اثر کلاسیک والت دیزنی محصول 1959 حالا در دهه دوم هزاره سوم تبدیل به نسخه‌ای بسیار متفاوت با چالش‌های شگفت‌انگیز قهرمانانش تبدیل شده‌است.

در شیطان صفت هویت قهرمان اصلی؛ یعنی پری خوش قلب قصه؛ به مرور دچار تغییر می‌شود تا اینکه در اواسط ماجرا چاره‌ای وجود ندارد تا اینکه او را موجودی پلید و منفی در نظر بگیریم. در واقع این پری احتمالاً معروفترین قهرمان منفی داستان‌های والت دیزنی در تمام این سالها بوده و فیلم شیطان صفت نیز با یک تفاوت آشکار همین روند را نشان می‌دهد. در شیطان صفت فرصت کافی وجود دارد تا استحاله این پری خوش قلب و تغییر هویتش را شاهد باشیم. شیطان صفت وقتی دختری خردسال است مانند همه کودکان به دنبال بازی و سرگرمی است و قلبی شاد دارد. ملاقات اتفاقی او با پسری به نام استفان و دلباختگی این دو به یکدیگر باعث می‌شود تا دنیای شاد این پری بزرگتر و پررنگتر هم باشد.

با اینهمه قرار نیست همه کارها مطابق میل پری کوچولو پیش برود. استفان وقتی مردی بالغ و کامل می‌شود در صدد بر می‌آید عشق خود به پری را؛ به عنوان نردبان ترقی‌اش به حساب بیاورد و جاه‌طلبی پیشه می‌کند تا نزد پادشاه وقت بیشتر محبوب شود. علیرغم حمله اولیه انسان‌ها به جنگل محل زندگی پری و اطرافیان؛ استفان دوباره نزد پری می‌رود و هردو به ظاهر ناملایمات را فراموش می‌کنند. اما بازهم استفان خیانت‌پیشه می‌سازد در خواب پری را جدا کرده و برای پادشاه می‌برد. این رفتار شروع تغییر هویت پری خوش قلب به یک پری شیطان صفت است...

فیلمنامه‌ای که لیندا وولورتون برای این فیلم نگاشته بسیار پرو پیمان است. او هم نگاهی به نسخه قدیمی زیبای خفته داشته و هم اینکه از نمایشنامه جادوگر "Wicked" بهره برده‌است. در حقیقت وولورتون در مقام فیلمنامه‌نویس؛ شخصیت‌های مثبت ماجرا را اگرچه بزرگنمایی می‌کند اما در سناریوی او شخصیت اصلی داستان؛ قهرمان منفی قصه است. و کارهای شیطان صفت جلوه‌گری تمامی دارد.

هویت بخشی اینگونه؛ به شخصیت اصلی داستان نیز؛ مرحله به مرحله پیش می‌رود. ابتدا همه پری کوچک خوش قلب را می‌ستائیم. سپس با ورود استفان برای هردو خوشحالیم. اما خیانت استفان در دومرحله؛ اول حمله انسانها به جنگل پری و سپس ازدواجش با دختر پادشاه را دیگر تاب نمی‌آوریم. با اینهمه پری دیگر آن دختر شاد و خوش قلب نیست. او دختر استفان و شاهزاده را نفرین می‌کند. از اینجا به بعد است که دیگر تکلیف تماشاگر با شیطان صفت مشخص است. تماشاگر بر نمی‌تابد تا طفل معصومی مورد ظلم واقع شود.

رابرت استرومبرگ کارگردان شیطان صفت مدیریت و رهبری مناسبی برای این پرداخت مرحله به مرحله شخصیت پری انجام داده‌است. او تعلیق و سوسپانس مورد نیاز را در اختیار داشته و با بهره‌گیری از جلوه‌های رایانه‌ای جذابیت‌های تصویری فراوانی ایجاد کرده‌است. در نظر داشته باشید که اگرچه "شیطان صفت" اولین کار مهم استرومبرگ به حساب می‌آید؛ اما او سالهای متوالی به عنوان دستیار کارگردان و یا مسئول جلوه‌های ویژه در کنار غول‌های سینما مانند مارتین اسکورسیزی و جیمز کامرون کار کرده و به یاد دارید که برای فیلم‌های "آلیس در سرزمین عجایب" محصول 2010 و "آواتار" محصول 2009 به جایزه اسکار هم رسیده‌بود.

مهمترین نقطه قوت استرومبرگ در خلق "شیطان صفت" همین تجربه‌هایی است که در بالا ذکر شد. او با بهره‌مندی از حضور بازیگرِ مثل آنجلینا جولی بین رویا و حقیقت در صدد یک توازن بوده‌است. به هر حال شیطان صفت بیش از حد کامپیوتری است و گاهی این نوع تولید؛ تماشاگر را آزار می‌دهد اما تلاش کارگردان فیلم برای ایجاد توازن در چند سکانس واقع قابل درک است.

Maleficent

کارگردان: مایکل استرومبرگ؛ فیلمنامه: لیندا وولورتون؛ براساس داستان زیبای خفته نوشته شارل پرو؛ زمان فیلم: 97 دقیقه؛ بودجه: 180 میلیون دلار؛ فروش: 754 میلیون دلار؛ محصول 2014 آمریکا بازیگران: آنجلینا جولی؛ شارلوت کوپلی؛ الی فانینگ؛ سم ریلی؛ ایملدا استانتون

منبع: تلگراف